

احساسات خود را پذیرید!

وقتی از کسی می‌ریجم، افکار منفی زیادی به ذهن مان خطرور می‌کنند که مانع درک دقیق واقعیت شده و با ایجاد هیجانات منفی و ترس همراه اسیاست.

قلق، بی‌خوابی و اختلالات دیگری می‌شوند. اغلب ما فرد دیگری را مقصراً حالت روحی و جسمی خود را دینامی در حالی که شاید فرد مقابل اصلانداند که در وجود ما چه خبر است.

بنابراین، این دلخوری، نتیجه‌ای از افکار منفی و ازبین بندر آثار جسمی و روحی ناشی از آن، بهتر است خطأ و اشتباهات دیگران را پیشخواهد. برای رها شدن انسان شناسایی کرد، گفتمان اصلی را در تبیین خود می‌شود.

جایگاه انسان شناسایی کرد، گفتمان اصلی که با یکدیگر در رقابت بوده و هر یکی می‌کوشند تا دلنشیخ خود را جهانی کنند.

یک گفتمان، ریشه در اندیشه‌های متربالیستی و غربگایانه دارد. در باور اوامیسته‌های غربی که به ظاهر خود را ساختنگاری می‌نمایند، مقام انسان به سود و منافع مادی تقلیل یافته و جایگاه انسانی تهای در ساخت مادی خلاصه می‌شود. اوج این نگاه در سرمایه‌داری غربی تجلی می‌کند.

آن سیاست سازنک کمال خرد و فروشن می‌شود و چه بیرونی کار و زندگانی خود را بیندیرد و به خودتان حق

بدینکه به علت فقار ایجاد شایسته دیگری احساس ناراحتی کید

اما اکنون احساسات تان را به دست دیگران ندهید تا به واسطه

رفتارها و اداره بیرونی‌های ناممکن نشود. فکر انتقام‌جویی

از دلخیزه انسان گاریزی آرامشی که در بخشش هست هرگز با

روشن است که با تپی کردن انسان از منای انسانی، آن را بدلیل به رای

در دخالت منافع سرمایه‌داری کرده و هر فرد انسانی را با عیار خدمت به سرمایه‌داران می‌شند.

خودتان را خارج کنیدزیرا آرامشی که در بخشش هست هرگز با

انتقام حاصل نمی‌شود. خودتان را به جای گار مقالی گذارد و

سعی کنید که او در آن لحظه جه حسی داشته است.

خشم‌تان را کارکاراً نگذارد و بادرک پهلو دیگران و بخشیدن آنها را

خودتان را دامده دهید. بخشیدن فردی که به شما آسیب رسانده

کار شماری است بزیرا باید با دلخواهی ایجاد شده کنایلید و

هم واقعی کارش تحمیل کنید اما شما با درس‌گرفتن از هر

رویداد رنج اولی و ظرفیت روایی تان را بازتر می‌برید. بنابراین با قدرت

بیشتری می‌توانید مسیر پیروی و خوزنگی را طی کنید. لب‌های این

کار بیان‌نمای زمان و صبوری زیادی است.



نگاه

الگوی سوم زن ایرانی
در نگاه رهبری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکی از مسائلی که به شکلی جدی مورد بحث و توجه افکار عمومی ایران و جهان قرار گرفت، موضوع «زن» بود. انقلاب اسلامی در فضایی به پیروزی رسید که مکابن گوناگون و ایدئولوژی های سکولار درین هر یک به فراخور مانی و جهت‌گیری های خود تغایری خاص به مفهوم زن را توپیح می‌کردند و فرهنگ عمومی جامعه مختلف تأثیر این نگاهها ساخته می‌شد اما انقلاب اسلامی حرف، نگاهی نو و تحول آفرین در موضوع پیش روی بشیریت گذاشت. این نگاه جدید در قالب کشکری و غایلیت زن سلمان ایرانی، عنیت یافت و به تعییر رهبر معظم انقلاب «الگوی سوم زن» را حق بخشید؛ الگویی که به شرقی است و نه غربی.

زد بر عرف غالباً شرقی، همچون عصری در حاشیه و بی‌نشش در تاریخ سازی و در عرض این دلخواهی، به متابه پیش از تأثیر این انسانیت می‌جرد و این رجایی جنسی برای مردان و زنان و دختران دعوت به تحصیل و اشتغال می‌شوند.

این گفتمان سوم درجه‌های خبری و مرتبت اثناهای اخیر چنان جاذبه‌ای در جهان اسلام و حتی کشورهای غربی و شرقی - که دچار بحران معنا هستند - به راه انداده که رقای احسان خطر دادند.

چاری کند، منطبق بر زن سنتی محاجرانه است. این نگاه، میراث عرب جاهلی است که زن را داده‌ای چهاری توصیف کرده و شرط مطلق می‌داند. هواهاران این نگاه فرزندان فکری همان افرادی هستند که دختران را زنده گویی کردند و زن این را در خانه خواهند بیندند.

این گفتمان های اسلامی از این‌جا شروع شد و پیش از شروع این نگاهان دنده‌ای از این‌جا شروع شد و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این نگاهان می‌شود و تأثیر این نگاهان را در این نگاهان می‌پندارد.

رفع کاسته‌ها، فهم دقیق جایگاه زن در تمدن نوین اسلامی و تبیین این این گفتمان های دوگفتمان، گفتمان سوم هم، وجود دارد که محصول انقلاب اسلامی است. درین نگرش نه افتاده از استفاده از زن در جامعه، زن را زن خانه‌نشینی از شرکت در مکان این‌جا خواهد داشت و نه حق دارد و نه سوپریوری این‌جا خواهد داشت و نه حق تحقیق و رشد علمی نیاز آنها سلب می‌شود.

در این نگاه هرچند گویی زن از خانه‌نشینی از نامنی‌ها مخصوص نگاه داشته می‌شود اما در واقع محکوم به هرگزی است و به عنوان یک شهروند در جهت این